

* خلاصه سخنرانی حجت الاسلام انجوی نژاد :

✓ متوسطه دوم شهدای رهیویان وصال

✓ موضوع : دینداری و جامعه

✓ جلسه سوم

✓ تاریخ : ۹۶/۹/۱۸

بحثی که این روزها بطور جدی در جامعه مطرح میشه ، اینه که آیا الان به دین و ایمان نیاز داریم ؟

کلا جامعه ی جهانی نیازبه دین داره یا بشر خودش می تونه راه خودش را پیدا کنه ؟

اصلاً نیازی هست ما راجع به این چیزها صحبت کنیم ؟

اصلاً قواعد دینی به درد دنیا می خوره یا قوانینی هست که فقط به درد آخرت می خورد ، در آخرت هم خدا ارحم الراحمین! در قیامت آنقدر آدمهای بد هستند که دیگه نوبت به ما نمی رسه و میگن آقا شما بفرمایید ، پرونده را شلوغ نکنیدو..! به حد کافی قاتل و جانی هست !

این سؤالها معمولاً کی پیش می یاد ؟ کجا هست که آدم به این چیزها شک می کنه که اصلاً این چیزها به درد زندگی می خوره یا نه ؟ چه وقت ما به این نقطه از شک می رسیم که دین به درد دنیای ما می خوره یا نه ؟

می دونید کی به تأثیر خدا در دنیا شک می کنیم ، وقتی به حاجاتمون نمی رسیم . به همین سادگی !!

وقتی یک بحران می آد و مشکلی داری ، خدا خدا می کنی و حل نمیشه ، به این نتیجه می رسی که اصلاً دین به چه درد دنیای ما می خوره. یا مثلاً میگن ما اینقدر دین دار بودیم ، خدا چرا هوای ما را نداشت ! یا یک آدم بی دین می بینه که به آرزوهایی که من دارم ، او رسیده ، پس لازمه که اینطور فکر کنم دین اصلاً برای دنیا نیست ، دین هیچ ربطی به دنیا نداره ، آخرت را چی کار کنیم ، آخرت هم خدا ارحم الراحمین !

اگر کسی به این اعتقاد برسه که دین مال آخرته ، آخرت هم خدا خیلی کریم و بزرگه ، ما که نه کسی را کشتیم ، نه مالی را دزدیدیم ، چهار تا گناه مسخره ی خیابونی کردیم !

یعنی در حقیقت همه ی آدمها به این نقطه می رسند ، چون از اولش یک اشتباه بزرگ کردند ، اشتباه بزرگشون چی بوده ؟ اینکه فکر می کردند ، با خدا بودن ، باعث میشه در دنیا به همه چیز برسند ! در صورتی که به همه چیز رسیدن در دنیا یک کار مادیه ، اما با خدا بودن یک کار معنویه ! بعد می بینی مثلاً یک آدمی هیچی نداره ، از دنیا هیچی گیرش نیومده اما با خداست. چرا ؟ چون نداشتن چیزی در دنیا را گردن خدا نیانداخته ، ربطی نداره .

حالا می خواهیم بررسی کنیم چه کار باید بکنیم :

اصلاً ایمان داشتن چیه؟

می خواهیم ۲ نکته را باز کنیم؟

دین دو قسمته : یک قسمت دستوراتی که دین داره برای اینکه زندگی دنیامون را خوب کنیم . البته خوب کنیم ، نه ، بهتر کنیم . خوب کردن زندگی دنیا با خودمونه ، بهتر شدن یعنی چی ؟ - مثلاً همه شنیدید که میگن « از تو حرکت، از خدا برکت » دین برای دنیا دستوراتش برکتی است . خوب بودن زندگی کار خودمونه . نیامدیم به دنیا که خدا به جای ما کارهای دنیا را بکند .

مثلاً شما درست را خوب بخونی ، خیلی خوب ، دستورات دینی را هم رعایت می کنی ، حافظه ات تقویت میشه ، ولی وقتی درس نخوندی ، حافظه تقویت بشه که چی کار کنی؟

وقتی می گیم « وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى » وقتی تو تیر می اندازی ، تو تیر نمی اندازی ، در واقع خدا داره تیر می اندازه . این یعنی چی ؟ یعنی پیغمبر بشینه خدا تیر و کمان بر می داره ، تیر می اندازه؟؟ نه. یعنی تو بری آموزش ببینی . کمان هم می کشی ، تیر هم پرتاب می کنی ، خدا به این تیر برکت می دهد ، دقیق تر به هدف می خورد ، به همین سادگی .

ما اشکالمون از اول اینه که فکر می کردیم دین و خدا می خوان به جای ما در دنیا زندگی کنن !

ما نماز می خونیم ، خدا روزی اش را می رسونه . نه اینطور نیست .

نماز برای روزی نیست . برای اینکه روزی شما طیب باشه، رزقی باشه که خرابت نکنه ، بدتر برای تو نشه .

این اولین اشتباهه که گاهی ما مرتکب می شیم ، دین نمی تواند ، نماز نمی تواند ، ذکر نمی تواند زندگی بد شما را خوب کند ، [باید خودت تلاش کنی]

نماز نمی تواند زندگی تو را از بد به خوب برساند ، نماز و ذکر می تواند زندگی خوب تو را خوبتر کند . قاعده ی دنیا اینکه که خدای متعال مردمی را خلق کرده ، که بعضی شون دین ندارند و چون دین ندارند و دارند تلاش می کنند ، خدا نمی گه چون دین نداری به تلاشت نمره نمی دم !

تلاش بکن . قاعده دنیا اینکه هرکس تلاش کنه به یه جایی می رسه . اینکه خدا بگه چون تو نماز نمی خونی ، من نمی دارم به جایی برسی نیست . خدا اینجا هم کریمه .

پس بنابراین یک عده در دنیا بدون دین ، با تلاششون به چیزهایی می رسند ، حالا اگر آدم کار کنه ، تلاش کنه و نماز بخونه ، کارش برکت پیدا می کنه .

قسمت دوم دستورات دینی مربوط به چیزهایی است که آسیب های دنیا را برای ما از بین می برد .

یک قسمتهایی از دین آسیب شناسی دنیاست .

به عنوان مثال میگن دروغ کارت را راه می اندازه اما آسیب هم می زنه ، هم به خودت و هم به جامعه ات . کار راه افتادن با دروغ ، راه افتادن حقیقی نیست ، بعدا یک ضربه ای به شما می زنه .

هر چیزی که شما در دنیا نعمت می دانی ، یک آسیبی داره .

مثلاً اگر خدا به شما توان جسمی می ده ، شما خیلی قدرتمند و قوی هستی ، این یک نعمته ، دین باعث میشه این نعمت را شما آسیب زدایی کنی ، یعنی از قدرتت برای ظلم استفاده نکنی .

بهت جمال می ده ، این نعمته، دین اجازه نمی ده آسیب بخوره به جمالت ، دین میگه اگر شما یک قدرت آسیب دیده ، جمال آسیب دیده ، علم آسیب دیده داشته باشی ، برای خودت و دنیایت ضرر داره .

برای هر نعمتی خدا چی کار کرده : میگه نعمت بهت می دیم ، شاید شما ندونی این نعمت آسیب داره ، آسیب های این نعمت را خدا به ما معرفی می کند . حالا گاهی ما خودمون را قانع می کنیم ، می گیم خدا روز قیامت کریمه و بعیده ما

بمیریم علاف بشیم !

اگر رعایت نکنیم بعضی چیزها را در در دنیا زندگی مون مشکل پیدا می کنه . یعنی حتماً هم اتفاق می افته . مشکل هم این نیست که شما برید الان بیفتید توی جوی آب و دست و پات بشکنه ، خیلی از مشکلات روحیه .

گاهی یک اتفاقی می افته ، در قیامت هم این را داریم در بحث جهنم در دهه محرم هم گفتم میگن برخی آتش قیامت از درونشون هست ، آتش درون خیلی وقتها از آتش روحی است .

یعنی مشکلات روحی ، فشار میاره روی اعصاب ، خیلی بدتر از مشکلات جسمیه ، مشکلات جسمی را [بالاخره] آدم می تونه حل کنه.

بنابراین یک سری از دستورات دین برای راحت تر شدن زندگی دنیاست . حالا یک عده ای میگن نه اینطوری نیست [و این مسائل را قبول ندارند] ، خب بگن . « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا » قبول ندارند ، خب نداشته باشند ، نه خودت ، نه به دوستان ، نه به بزرگترها ، نه به کوچکترها اصرار نکن ، وقتی کسی میگه این طور نیست ، خب برو بچش [تا بفهمی اینطوری هست یا نه] به همین سادگی !

خوبی بعضی گناهکاران اینه که تا براشون مشکلی پیش می آد ، می فهمند منشأ کار از کجاست ، یه عده گناهکاران مؤمن ، آنقدر بصیرت دارند که می فهمند مشکلاتشون دقیقاً از کجاست .

مثلاً ارتباطتون با خلق ، توی خونه ، با پدر و مادر را دقت کنید . اگر شما حالتون خوب نیست و پدر و مادر درکتون نکردند ، با شما تندی کردند ، شما چی کار می کنید ؟ اینکه بخواهید جواب تندی را با تندی بدهید ، از نظر دین و قرآن مردوده . در قرآن می فرماید : « فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍ » به پدر و مادرت آخ هم نگو . [در اسلام احترام به پدر و مادر خیلی سفارش شده] حالا اگر شما ناراحت بودی ، آنها تندی کردند ، مثلاً گفتن فلان ، تو هم گفتی فلان خودتی ، خیلی خب ، حالا چه اتفاقی می افته ؟ می تونستی ، [تحمل کنی] و جواب ندی ، بعد هم لذت زندگی را بچشی . حالا کسی که تندی پدر و مادر را جواب داد ، اتفاقی که می افته اینه که ، یک جایی این تلافی میشه . این میشه اثر دین . حالا به خاطر این که به پدر و مادرش گفته فلان خودتی ، نمیان که شلاقش بزنند ، اما برای فرد یک مشکل روحی پیش می آد .

قرآن وقتی می خواد بگه جهنم ، نمیگه جهنم آخرت ، میگه جهنم دنیا و آخرت ، در مورد بهشت هم همینه ، « جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ » میگه بهشت دنیا و آخرت .

پس دین می تواند مشکلات روحی و جسمی ما را در دنیا و آخرت حل کند .

می آیم یک قدم جلوتر ، بعضی از کارهایی که ما انجام می دهیم لذت داره . بعضی از گناهان هم لذت داره ، این چیه ؟ چرا برخی گناهان لذت داره ؟ اصلاً گناه لذت داره یا نه ؟ آیا لذت واقعی هم داریم ؟

[دقت کنید که] به ته هیچ لذت واقعی و غیر واقعی در دنیا نمی رسیم ، کل لذتهای دنیا انتها نداره ، لذت هر لذتی می گذره ، هیچ چیز واقعی نیست در دنیا . لذت کلاً آنی است ، همه لذتها آنی است .

حالا بعضی هم هستند در گناه به سر می برند و بعد هم حالشون خوبه ..

می خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم : گناه لذت داره ، خب . چرا لذت داره ؟ اگر یک آدمی در زندگی اش برای لذتش برنامه ریزی نکنه ، به جاش شیطان براش برنامه ریزی می کنه !

این روزها خیلی ها در فضای مجازی هستند [و وقت زیادی را تلف می کنند] وقتی هم ازشون پرسی چرا این کارها رو می کنید ، زیاد جوابی برای گفتن ندارند ، چون بیکاره ، چی کار کنه ، می رود در فضای مجازی و ..

گاهی مردم از بیکاری می رن سراغ لذتهای حرام ، بعد میگوین مرخص شده یا ناراحتی روحی داره ، چرا ؟ چون گناه میکنه ، به وجدانش فشار می آد ، می رود سراغ شراب ، عقلش زایل میشه ، وجدانش ساکت میکشه ، بعد هم میگه این را انجام میدیم ، ان کار را انجام می دیم ، روز قیامت هم خدا بزرگه . به همین دلیل است که تخدیر به گناه متصله ، در جامعه ی گنهکاران ، شراب ، مواد ، دخانیات [هست] اینها به گناه متصله . فرد گنهکار بدون مخدرات نمی تونه ادامه بده .

ما بحثمون سر اینه که مدتها و سالهاست که مردم را از لذت گناه نهی می کنیم ، ولی لذت حلال بهشون معرفی نمی کنیم . لذت حلال یعنی چی ؟ یک بخشش اینکه آدم اوقات بیکاری نداشته باشه .

حالا یک سؤال : لذت چیه؟ با لذت کجای بدن شما احساس خوبی بهش دست میده ؟ کجا؟ عقل . فقط عقل .

ترشح هورمونهایی که لذت بخشه ، دستور عقله ، از مغز صادر میشه . خب راجع به اینکه لذتی برای انسان ایجاد بشه ، عقل داره این را میگه . مثلاً شما از ناهار خوردن لذت می بری ، بعد نگاه می کنی ، در احوال یک آدمی که دانشمنده ، میگه ساعت ۵ بعد از ظهر دیدم چشمام داره سیاهی میره ، یادم امد ناهار نخوردم . خب این چه لذتی بوده ، که این فرد را از لذت ناهار خوردن غافل کرده ؟ لذت علم .

یعنی چیزهایی که در دنیا هست ، الزاماً همین چند تا لذتی که کف خیابون به ما معرفی می کنند ، نیست . هرکس در دنیا می تونه از چیزی لذت ببره ، ریاست ، مقام ، علم ، ورزش ، هنر و ... خداوند تبارک و تعالی برای هر کسی ، یک استعدادی برای اینکه به لذتهای دنیا برسه ، قرار داده ، اما ما لذتها را به صورت کلیشه ای کردیم ، [همه ی لذتها خلاصه شده در] لذت ارتباط با نامحرم ، لذت نگاه ، لذت چشایی ، بویایی ، بینایی و تمام . یعنی کل لذتهای دنیا را از عقل گرفتیم ، دادیم به چشم و دهن و دست . می گیم اینها لذتهای دنیاست ، در حالی که لذت را عقل تعریف می کنه و عقله که هورمون ترشح می کنه .

شما برای اینکه لذت ببری در دنیا ، باید برنامه داشته باشی . دنیا باید دنیای شیرینی باشه . وقتی شیرین نیست ، آدمها می افتند در موضع عناد ، که خدایا در دنیایی که تو برای من خلق کردی ، گناه می کنم ، چوبش را هم می خورم . اگر مسیر بهره بردن از دنیا را ندانید ، چند سال دیگه کم میارید .

اگر مسیر بهره برداری از دنیا را ندانید ، چند سال دیگه کم میارید .

برای اینکه از دنیا لذت ببریم ، باید برنامه ریزی داشته باشیم ، نباید بیکار باشیم و برای بیکار نبودن باید برنامه ریزی کرد .

وقتی می پرسی شغلت چیه ، میگه دانش آموز یا دانشجو ، اما این شغل نیست، دانش آموزی و دانشجویی ، یک قسمت از آدمیت شماست، برای بقیه اش برنامه ریزی دارید ؟

بعضی ها میگن شغلم کلاً دانش آموزه ! مگر شما در روز چند ساعت دانش آموزی ؟ چه برنامه ای داری ؟ الان چه لذتی می بری ؟

رادیو گوش می دادم ، یک مصاحبه بود با خانمی که تا ۱۸ سالگی کم بینا بود ، بعدش نابینا شده بود . می گفت من فکر می کردم ، بدون چشم ، دنیا دیگه هیچ بهره ای برای من نداره ، شما هم اگر یک روز چشمتو با یک پارچه ای ببندی ، می بینی چقدر میزان بهره وری ات از دنیا ، می آد پایین . خانمه می گفت مربی ام مرا با ورزش آشنا کرد ، حالا فهمیدم برای اینکه آدم از دنیا استفاده کند ، لازم نیست حتماً چشم داشته باشه .

این یک نمونه بود ، که بدون چشم هم میشه از دنیا لذت برد . شما بقیه چیزهایی هم که برای لذت بردن از دنیاست ، در نظر بگیرید ، ما می گیم چون خودمون لذتها را محدود کردیم در ۶-۵ لذت ، بقیه را نمی شناسیم ، بعد کم میاریم . بعد هم می گیم این قدر خودمون را کنترل کردیم ، به کجا رسیدیم ، بین فلانی کجا را گرفته ، حداقل از دنیاش داره لذت می بره . معمولاً در این مواقع آدمها [نا کامی هایشان را] می اندازند گردن آخرت ، میگن دنیا که این جور بود ، یه عده بدبخت

هستند در دنیا ، خدا در آخرت جبران می کنه !! اما این جواب نمی ده . در دنیا این چیزها هست ، خیلی آدمها را دیدیم ، نا امید هستند، بعد یک اتفاق می افته می فهمند ، مسیر لذت بردن از دنیا متفاوته ، چیز دیگری بوده ، و در این سن [نوجوانی] ، شما اصلاً تشخیص نمی دید .

مثلاً اگر سراغ کسی برید که تازه مادر شده ، اختلاف سنی اش هم با شما کمه ، ازش بپرسی الان چه احساسی داری؟ میگه من نمی دونستم در دنیا همچین لذتی هم وجود داره ، تازه فهمیدم لذتی در دنیا وجود داره به نام مادر شدن .

مثلاً خوبه سراغ ورزشکارانی برید که قهرمان در رشته های مختلف باشن و از جنس خودتون باشن و با شما هم اختلاف سنی کمی داشته باشن ، ازشون بپرسید چه خبر ، شما که از ما بزرگترید ، این فکری که من الان دارم ، درسته یا نه ؟ باید برید تجربه ها را ببینید تجربه ی کسانی که موفق هستند ، به جای این چرخشهای بیهوده و وقت پر کن در اینترنت ، برید سراغ این افراد ، آنها را پیدا کنید ، زندگی شون را بخوانید ، ببینید چی کار می کردند . بعد خواهید دید چقدر راه جلوی پای شماست .

یک نفر در سن شما به من گفت : خوش به سعادتت . بهش گفتم : همین الان سعادتت را به سن تو عوض می کنم . گفت : چرا ؟ گفتم : چون خیلی راه در جلوی شما زیاده .

هرچه سن شما بالاتر بره ، تعداد راههای مقابله محدودتر میشه . در یک سنی دیگه دو راه بیشتر نداریم یا قبرستان یا بیمارستان .

هرچه سن شما بالاتر بره ، تعداد راههای مقابله کمتر میشه . مثلاً الان شما کنکور می دید و در یک رشته قبول می شوید ، این راه از جلوی شما حذف میشه ، خب لیسانس گرفتید ، چند تا راه دیگه حذف میشه ، ازدواج می کنید ، بچه دار می شوید و یک سری دیگه راهها حذف میشه .

شما الان تمام راهها را می تونید انتخاب کنید ، اما هر چقدر در جامعه جلو می روید ، راهها و گزینه های شما کمتر میشه و اختیار شما برای اینکه راهی را انتخاب کنید ، کم میشه . الان خیلی کارها را می تونید انجام دهید ، اما بعداً نمیشه .

الان شما وقت دارید که راههای مقابلتون را برای لذت بردن از زندگی بیشتر کنید ، با لذتهایی مثل چت کردن و علافی در فضای مجازی وقتتون را تلف نکنید .

یکی از چیزهایی که خیلی تأکید دارم برای همه ، اینه که آدم دو زبانه هیچ وقت در ایران بیکار نمی مونه . یعنی کسی که غیر از زبان فارسی یک زبان دیگه مثل عربی ، انگلیسی ، آلمانی ، فرانسه ، ایتالیایی ، اسپانیولی ، یکی از اینها را بلد باشه ، هیچ وقت بیکار نمی مونه . حالا بعضی ها میگن ما می ریم کانون زبان. این جوری فایده نداره ، باید بری بچسبی بهش [تا خوب یاد بگیری] . شما هم شروع کنید .

دین میگه اگر استعدادهايت را در یک سنی شکوفا کنی ، راههای مقابلت بیشتر میشه . [برای آینده تون برنامه ریزی کنید . [آدمها اینطوری اند ، باید استعدادها تون شکوفا بشه .

خدا میگه استعدادهايت را در این سن [نوجوانی] شکوفا کن . بعداً تعداد راههايت برای انتخاب بیشتر میشه و بعد می فهمی اتفاقاً لذت بردن از دنیا چقدر مقدوره .

لذت بردن از دنیا برای کسانی مقدوره که تعداد راههای لذت بردن از دنیا براشون بیشتره . وقتی شما راه انتخاب نداری ، مجبوری در این تنها مسیری که دنیا بهتون پیشنهاد می ده و جلوی شما قرار داره پیش برید ، تعجبی هم نداره که از دنیاتون لذت نبرید !

یک مشکل بزرگی که ما داریم ، اینه که در سن نوجوانی در پسرها شیطنت هست و در دخترها روحیه ی حساسی مامانم اینا ... اینها هر دو تاش توطئه ی شیطونه. پسرها دنبال سلبریتی بازی و دیده شدن و این مسخره بازیها هستند و دختران هم درگیر مسائل عاطفی . خب شیطون چی می خواد ؟ که الان بری جهنم ! این آخرشه ، می خواد شیطان در دنیا به خدا ثابت کنه تو آدم نمیشی! شیطان هرکس را از راهی و طریقی [منحرف می کند] ، لذا می رسیم به اینکه هر سنی یک سری اعمال داره از نظر دین ، دین میگه این سن این اعمال را داره . این اعمال را باید در این سن انجام داد ، زودتر انجام بدی باختی ، دیرتر هم انجام بدی باختی .

در سن الان شما [وظیفه شما] اضافه کردن راهها برای لذت بردن از دنیاست و این هیچ راهی نداره ، مگر اینکه استعدادهای جدیدی در خودتون شکوفا کنید .

به قول سعدی علیه الرحمه: « مَنْ جَرَّبَ الْمُجَرَّبَ حَلَّتْ بِهِ النَّدَامَةُ » کسی که آنچه قبلاً تجربه شده را بخواهد دوباره تجربه کند ، هیچ نتیجه ای نمی گیرد جز پشیمانی . [از مشورت و تجربه دیگران استفاده کنید]

حالا یک سؤال چقدر از گلستان خوندید ؟ یک خط ، دو خط ، یک صفحه؟ اگر میزان زمانهایی را که در فضای مجازی هستید ، کم کنید ، خوب برنامه ریزی کنید ، با یک مشاور مشورت کنید ، می فهمید چه استعدادهایی دارید.

استعدادهایتان را نمی دانید کدامه ، مگر اینکه علمتون را زیاد کنید . شما سمت هر علمی بروید ، می فهمید چه استعدادی دارید ، جامعه شناسی ، علوم تربیتی ، روان شناسی ، هنر ، نقاشی و ..